

## یادداشت

## تأثیر معماری خانه‌ها بر خشونت‌های کرونایی

**سارا نجیمی** - حقوق‌دان

● متخصصان در حوزه روان‌شناسی و جرم‌شناسی بر این باورند که کیفیت نامناسب ساخت‌وسازهای شهری و عوامل محیطی می‌تواند سبب گرایش افراد به خشونت بشوند. در واقع وقوع جرم مشروط به عوامل متعددی است که در این میان زمان و مکان از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر این امر هستند.محمدرضا رحمت، نویسنده کتاب «بیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی»، در کتابش اشاره می‌کند معماری قادر است انگیزه‌ها و سوسه‌های ارتکاب جرم را تا حد زیادی کاهش دهد و این امر نیز با عامل نظم نظارت امکان‌پذیر است. بسیاری از طرح‌های معماری سبب ایجاد و افزایش «احساس ازدحام» در افراد می‌شوند، احساسی که رفتارهای خشونت‌آمیز را در پی دارد. در واقع طراحی فضاهایی نظیر کوچه، خانه و حتی درهای ورودی در کاهش و افزایش میزان جرم در جامعه مؤثر است.در واقع احساس امنیت‌داشتن می‌تواند ربط مستقیمی به معماری داشته باشد و قطعا در فضای خانه مسکونی که محیط محدود است، داشتن فضای امن و استاندارد یکی از مهم‌ترین شاخص‌های امنیت روانی است و می‌تواند خود از علل بروزافزایش خشونت خانگی شود.مطابق با استانداردهای معماری و شهرسازی، برای یک خانواده چهارنفره حدود ۱۵۰ متر زیرینا احتیاج است. در واقع در یک فضای معماری ایদئال عرصه خصوصی از عرصه خانوادگی مجزاست، چراکه برای یک زندگی متعادل و متوازن لازم است بین زندگی جمعی و خصوصی تعادل به وجود آید. صرف‌نظر از اینکه تمامی این فضاهای شهری و طراحی خانه‌ها حتی در شرایط استاندارد در ساخت‌وساز برای یک زندگی نرمال و معمولی طراحی شده است، والدین به‌طور معمول بین ۸ تا ۱۰ ساعت خارج از خانه بودند و اکنون در شرایط ویژه‌ای که بر جهان حاکم شده است، تمام روز را با فرزند یا فرزندان خود در خانه‌هایی که غالباً فاقد استانداردهای معماری لازم است، می‌گذرانند و قطعا خانه‌نشینی طولانی، کلافه‌کننده و کسالت‌بار است و باعث یزادگیری و عیب‌جویی و زود از کوره‌رود است می‌شود؛ خصوصا اینکه قطعا زیست در فضاهای کوچک و خارج از استاندارد در زمانی طولانی و در شرایطی که فشار اقتصادی و ترس از بیماری هم بر خانواده حاکم است، اثرات منفی دارد.آنتونی گوترش، دبیرکل سازمان ملل، به بالارفتن آمار خشونت خانگی علیه زنان و دختران و کودکان در دوران قرنطینه انتقاد کرد. او در بیان ویدئویی‌ای که روز یکشنبه به چندین زبان پخش شد، به افزایش وحشت‌آور آمار خشونت علیه زنان در سراسر جهان در هفته‌های گذشته استناد کرد و گفت: «برای بسیاری از زنان و کودکان این خطر در جایی که باید بپراشان امن‌ترین باشد یعنی خانه خودشان، بزرگ‌ترین تهدید است.»«راه‌های درآمدت و منطبق با استانداردهای جهانی:برای حمایت مؤثر از حریم خصوصی و امنیت افراد در منزل و مکان خصوصی، ضروری است مفهوم حریم امن افراد در مکان خصوصی روشن شود. در اسناد بین‌المللی و نیز در قانون اساسی و قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران، هر چند بر حمایت از حریم خصوصی منزل و مسکن‌نگه به منزله مصداق بارز حریم استاندارد تأکید شده، اما هیچ‌گونه تعریفی از منزل یا مکان خصوصی ارائه نشده است.حتی در پیش‌نویس لایحه حمایت از حریم خصوصی که معاونت حقوقی و پارلمانی دولت هشتم ارائه کرده است نیز تعریفی از واژه منزل و مسکن بیان نشده، البته از لحاظ حقوقی بین دو مفهوم منزل و اماکن خصوصی رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است، زیرا مسکن و منزل مصداق بارز مکان خصوصی است ولی مکان خصوصی فراتر از منزل است و بر مکان‌های غیرمسکونی نیز اطلاق می‌شود.مراد از منزل محل اقامت ذکرشده در قوانین مدنی یا تجاری و آیین دادرسی مدنی نیست، بلکه مقصود از آن محل، مکان و فضایی است که شخص در آن سکونت و حق دارد در آن بی هیچ مزاحمت و تعرضی آزادانه به‌سربرد.در واقع ما در قوانین ایران و در منشور حقوق شهروندی هیچ اشاره‌ای به تعریف فضای امن و استاندارد هر فرد در منزل مسکونی نداریم.فقط در ماده ۳۳ حقوق شهروندی بیان شده است: حق شهروندان است که از مسکن ایمن و مناسب با نیاز خود و خانواده‌شان بهره‌مند شوند. دولت بر مسائل نیاز و رعایت اولویت و امکانات زمینه استیفای این حق را فراهم می‌کند.ماده ۴۴ نیز بیان می‌کند: دولت با اتخاذ تدابیر و وضع مقررات لازم، زمینه تأمین و بهبود وضعیت مسکن متناسب با ویژگی‌های بومی و ارزش‌های فرهنگی، اجرائی مقررات ملی ساختمان و طرح‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی را فراهم می‌کند.شاید با توجه به بحران افزایش هزینه پس از همه‌گیرشدن ویروس کرونا و اثرات وسیع اجتماعی که در برداشت بهتر آن است که از زاویه‌ای دیگر نیز به مقوله امنیت زنان و کودکان در محیط خانه نگریسته شود، لازم است به تعریف مشخص و استانداردی در قوانین داخلی و حقوق شهروندی ترمیم که البته این امر مستلزم زمان خواهد بود و بررسی مستقیم و کارشناسانه در زمینه حقوق و جرم‌شناسی و معماری شهری.اما تا آن زمان شاید باید توجهی ویژه به سخنان روز یکشنبه دبیر کل سازمان ملل داشته باشیم که در این ایام با توجه به افزایش جهانی خشونت علیه زنان و کودکان از تمامی دولت‌ها خواست مقرراتی را برای کاهش اعمال خشونت علیه زنان و کودکان در آیین‌نامه‌هایی که برای مبارزه با کرونا اجرا می‌کنند در نظر بگیرند برای مثال، شماره تلفن‌های اضطراری در داروخانه‌ها اعلام کرد تا بتوان از زنان و کودکان در مواقعی که مورد خشونت قرار می‌گیرند، حمایت کرد.در واقع هم‌زمان با تلاش برای پیروزشدن بر کوید۱۹ ما می‌توانیم و باید با هم جلوی خشونت را در همه جا، در مناطق بحرانی و در خانه‌های مردم بگیریم.

**شرق:** افزایش ۳۰درصدی خشونت خانگی در روزهای سخت قرنطینه موضوعی بود که روان‌شناسان آن را پیش‌بینی می‌کردند چراکه از مدت‌ها قبل بسیاری از آنها در رسانه‌ها اعلام کرده بودند نبود مهارت کافی زندگی، سطح پایین تاب‌آوری و فشارهای سنگین روانی ناشی از حوادث مختلف سیاسی و اجتماعی امنیت روانی شهروندان را به خطر انداخته است.

در تعریف خشونت خانگی از منظر قانون می‌گوید: ما در قانون فصل جدایی درباره خشونت خانگی نداریم. اما خشونت در قانون تعریف مشخص دارد بر اساس قانون، هر فعل و عملی که شخصی علیه دیگری به طریق کلامی، مکتوب یا فیزیکی مرتکب شود و او را مورد آزار و اذیت روحی و روانی و جسمی قرار دهد، از نظر قانون جرم است و مرتکب مجازات می‌شود.

براساس گفته‌های مقامات مسئول، خشونت خانگی در ایین مدت زیاد شده و دلیل آن هم به نظر من ویروس کروناست. عوارض این بیماری در تمام جمع جامعه و جهان آثار سوئی را به جا گذاشته و باعث استرس‌های زیادی بین مردم جهان شده است. اثر جهانی آن را می‌توان از نامه اخیر دبیر کل سازمان ملل به سران کشورها فهمید. تردست معتقد است به جز بحران کرونا که در جهان خشونت علیه زنان و کودکان را بالا برده، بالارفتن خشونت در ایران علت دیگری هم دارد. او می‌گوید: فاصله‌گذاری اجتماعی یک پروتکل جهانی است و کشور ما هم از این روش استفاده کرده اما به دلیل محدودیت‌های شدید اقتصادی فاصله‌گذاری موجب شده اقشاری از جامعه که نیازمزد کار روزانه بودند تا مخارج خود را تأمین کنند تحت فشار قرار گیرند. اکثر کسبه و تجار و خرده‌فروشان و افرادی که شغل آزاد داشتند و تعداد کمی هم نیستند، تحت فشار قرار گرفته‌اند. بی‌پولی ایجادشده ناشی از این موضوع اضطراب را برای مردم بالا برده است. دومین عامل مسئله خانه‌نشینی و عدم تحرک در محیط در بسته است. طبق نظریه روان‌شناسان، عدم تحرک از عوامل افزایش اضطراب و استرس است. در این شرایط هم مردان و هم زنان در فشار هستند. این فشار البته روی زنان بیشتر است. مسئله سوم ترس از ابتلا به ویروس کروناست. بسیاری از اعضای خانواده باید برای تهیه مایحتاج از خانه خارج شوند و همین خارج و واردشدن به خانه ترس از انتقال ویروس را هم افزایش داده است.

این قاضی بازنشسته به اتفاقات غم‌بار سال گذشته به عنوان دلیل دیگر بالابودن اضطراب بین مردم اشاره کرده و می‌گوید: چند سال اخیر حوادث و بلایای طبیعی و مسائل دیگر موجب شده است ما با پدیده بی‌خانمانی روبه‌رو شویم، بی‌روندانی و به دلیل سیل و زلزله در جادر بیرون ماه‌های طولانی زندگی می‌کنند دچار اضطراب‌های عمیق می‌شوند که رفتار خشونت‌بار آنها را بالا می‌برد. حسن تردست نقش حوادث سیاسی را خصوصا روی شهروندیان بسیار جدی می‌داند و می‌گوید: اخیرا حادثه هواییماجرای اوکراینی و حوادث پیش و بعد از آن، بر جامعه ایران و روح جمعی کشور اثر منفی گذاشته است. جنگ طولی سه‌ساله و



مریم رامشت

روان‌شناس و استاد دانشگاه

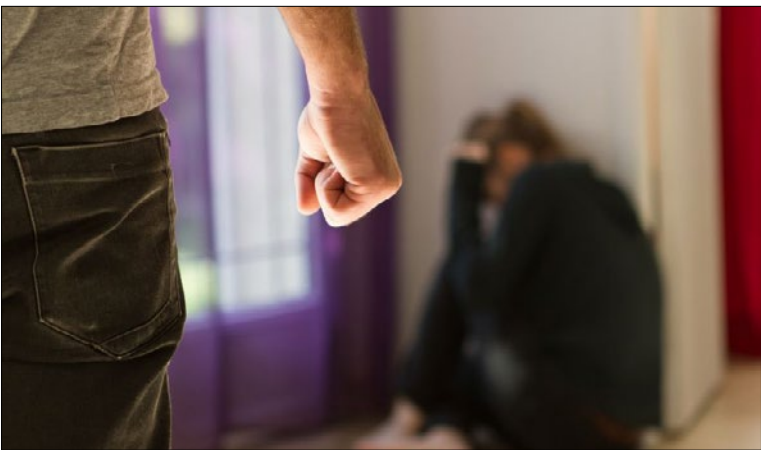
خشونت خانگی یکی از متداول‌ترین انواع خشونت و از میان انواع خشونت خانگی آزار و اذیت عاطفی بسیار شدیدتر از دیگر انواع خشونت است. صرف‌نظر از ضرب‌وجرح بسیاری از زنان و مردان تحقیر و توهین و بی‌اهمیت جلوه‌دادن از انواع خشونت عاطفی است که عزت نفس فرد را پایین می‌آورد و استقلال را کاهش می‌دهد و به فرد خشونت‌گر نوعی احساس قدرت دست می‌دهد. زخم‌هایی که آزار عاطفی ایجاد می‌کند گاهی عمیق‌تر از آثار و اذیت‌های فیزیکی است بعضی از این آزارها اقتصادی و مالی و هدفش تسلط است. مقصرت‌آزاشی دیگر موردی است که فرد انجام می‌دهد که این حالت در فضای محدود بسیار بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. کسی که آزار و اذیت می‌کند یک انتخاب آگاهانه انجام می‌دهد فرد کنترل از دستش خارج نمی‌شود، بلکه رفتاری سوااستفاده‌گرایانه و عمدی انجام می‌دهد. البته استانه مقاومت ما پایین آمده عصبانی می‌کند اما به هر حال، این رفتار انتخاب اوست.

در خشونت‌های خانگی زنان اولین گروهی هستند که مورد خشونت قرار می‌گیرند. آمارهای جدید اورژانس اجتماعی در دوره کرونا نشان می‌دهد خشونت نسبت به زنان ۳۰ درصد افزایش پیدا کرده است. زن‌ها به دلیل ضعف جسمانی و وابستگی مالی، فرهنگی و اجتماعی که نسبت به همسر دارند، بیشتر مورد خشونت عاطفی قرار می‌گیرند هر چند در چند سال اخیر تحول اساسی در جایگاه زنان ایجاد شده است اما همچنان زنان چندان مورد توجه نیستند. زمانی که مورد خشونت قرار گرفتند هم شامل همسران است و هم شامل دختران، یعنی دختران بیشتر از پسران مورد خشونت عاطفی و اقتصادی قرار می‌گیرند. بعد از این دو گروه کودکان هستند که مورد خشونت قرار می‌گیرند. بی‌دعای کودکان مهم‌ترین دلیل

## حوادث

در گفت‌وگو با ۲ کارشناس بررسی شد

# خشونت خانگی در روزهای کرونایی؛ دلایل و چاره‌ها



بحران‌های ناشی از تحریم‌ها و تروریسم اقتصادی یکی از بزرگ‌ترین عوامل تشنج روانی مردم است. آمریکا برخلاف چهره انسان‌دوستانه‌ای که می‌گیرد مشکلات اقتصادی شدیدی را به مردم عادی تحمیل می‌کند و زندگی مردم تحت تأثیر این مسئله قرار گرفته است. مسئله دوم در جامعه فاصله بین مردم و کارکاران و مسئولان است، بر اثر سوءمدیریت اطلاع‌رسانی و تعارض نظریات در بیماری کرونا بدبینی و سلب اعتماد بین مردم ایجاد شده است. البته با وجود فشارهای سنگین سیاسی که زندگی مردم را تحت تأثیر قرار داده و تروریسم اقتصادی که وجود دارد مسئولان کشور توانسته‌اند مایحتاج مردم را تأمین کنند و ما شاهد صحنه‌های غم‌انگیزی که در سایر کشورها هستیم، در کشور خودمان نیستیم و باید با وجود همه انتقادهای وارده این حسن را هم گوشزد کرد.

### قوه قضائیه حد ویژه برای خشونت خانگی اختصاص دهد

وی در پاسخ به این سؤال که افرادی که مورد خشونت خانگی قرار می‌گیرند با توجه به شرایط کرونا چطور می‌توانند از سوی قوه قضائیه مورد حمایت قرار گیرند، می‌گوید: در موارد بسیار حد مانند قتل یا ضرب و جرح‌های سنگین قطعا حضور فیزیکی پلیس و بازپرس الزامی است اما در موارد دیگر مانند زمانی که زن یا کودکی کتک می‌خورد و مورد خشونت عاطفی و کلامی قرار می‌گیرد، یکی از بهترین و مؤثرترین کارهایی که قوه قضائیه می‌تواند انجام دهد این است که یک خط ویژه برای افراد آسیب‌دیده معرفی کند. اپراتورها می‌توانند با آگاهی‌دادن به افراد خانواده جلوی خشونت را بگیرند. این اپراتورها می‌توانند به فرد آسیب‌رسان هشدار دهند در صورتی که همسر و فرزند خود را آزار دهد اعمال قانون شده و مورد مجازات قرار می‌گیرد. همین هشدار و اطلاع‌رسانی می‌تواند

بسیار بسیاری در پیشگیری از جرم مؤثر باشد. در حال حاضر خط ویژه‌ای وجود دارد که مردم از قوه قضائیه مشاوره حقوقی می‌گیرند از همین خط می‌توان استفاده کرد و مشاوره‌های ویژه برای این ایام نیز در اختیار مردم گذاشت فردی که خشونت کرده را تحت نظر قرار داد و در صورتی که دوباره مرتکب شد بازداشت کرد. هشدارهای قانونی یکی از بهترین راه‌ها برای پیشگیری از وقوع جرم است چراکه هم فرد در معرض آسیب می‌داند باید به چه کسی مراجعه کند و جلوی ارتکاب جرم گرفته

در برابر آن است.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان گفت دلیل بالارفتن آمار خشونت خانگی تعارضاتی است که از قبل بوده و حالا فرصت بروز پیدا کرده است، می‌گوید: طبیعتا اختلافات و تعارضاتی وجود دارد که در یک بافت و در یک برهه زمانی بروز و شدت پیدا می‌کند. جروبحث و جدال با خشونت و اعمال سلطه متفاوت است. اگر کسی پیش از این شاهد خشونت نبوده احتمالا انواع ملایم‌تر آن را درک نکرده است یا آن‌قدر فرهنگی بوده که برایش طبیعی بوده است. مثلا یکی از انواع خشونت محدودکردن منابع مالی خانواده و اعمال زور و قدرت در ارائه آن است. آیا هر یک از ما جز خشونت فیزیکی و لفظی به آن اندیشیده‌ایم؟ از طرفی هر نوع خشونتی دو طرف (پرخاشگر) و فرد آسیب‌پذیر یا پرخاشگر-پرخاشگر) دارد.

### نگاه

## ناتوانی در کنترل خشم؛ واقعیتی که کرونا آشکار کرد

مورد خشونت قرار گرفتن آنهاست. کودکان بیشتر از خانم‌ها ناتوان هستند و عکس‌العمل هم نشان نمی‌دهند. بنابراین آنها نیز مورد آزار هستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد آزار جسمی درباره کودکان زیاد شده است. بچه‌ها بیشتر در معرض کتک خوردن قرار دارند. بعد از این افراد سالمند مورد خشونت قرار می‌گیرند. ما کشوری هستیم که به سمت سالمندی می‌رویم و این ذهنیت وجود دارد که سالمندان باری بر دوش خانواده هستند چون توانایی جسمانی و مالی ندارند و در نتیجه سالمندان نقطه ضعف خانواده‌ها هستند و این باعث می‌شود خانواده‌ها حساسیت بیشتری داشته باشند. خشونت درباره افراد سالمند فیزیکی نیست. بیشتر تحقیرکردن و القای این مسئله است که آنها باری بر دوش خانواده هستند. در شرایط قرنطینه اکثر خانواده‌ها در فضای بسته نسبتا کوچک با هم زندگی می‌کنند. این مسئله از قبل برنامه‌ریزی نشده و یک‌دفعه اتفاق افتاده است بنابراین ما با یک غافلگیری هم مواجه هستیم. یکی دیگر از مسائل اثرگذار بسته‌بودن فضاست چراکه دل‌نگرانی و افسردگی را بیشتر می‌کند. ترس و نگرانی عامل دیگری است ما به خاطر یک مسئله خوشحال‌کننده کنار هم نیستیم. ما به خاطر یک تهدید بیرونی کنار هم قرار گرفتیم و این ترس باعث می‌شود استانه مقاومت ما پایین آمده عصبانی می‌شویم. بمباران اخبار تلخ و شایعه‌سازی و عدم آگاهی نسبت به اینکه این بحران کی تمام می‌شود هم عامل دیگری است که باعث بروز خشونت می‌شود.

اما نکته بسیار مهم بی‌کاری است. در خانواده‌هایی که معیشتشان به خطر افتاده خشونت خانگی بروز بیشتری پیدا کرده است. وضعیت بد اقتصادی مردم امنیت روانی آنها را به هم زده است. از مهم‌ترین کارهایی که باید در این دوران انجام دهیم تا خشونت کاسته شود، این است که به‌راحتی شرایط را برای اعضای خانواده توضیح دهیم و از آنها بخواهیم توقعات خود را به حداقل برسانند. به‌وضوح به بچه‌ها گفته شود فعلا کار نیست و پولی هم نداریم و باید تحمل کنیم تا این دوران بگذرد.

کارهای مشترک تعریف کنیم. در تمیزکردن خانه و آشپزی همگی

خشونت در برخی بافت‌های فرهنگی یا رابطه‌ای بیشتر بروز پیدا می‌کند. فردی که بارها توسط افراد مختلف مورد خشونت قرار می‌گیرد، باید حتما جلسات مشاوره بگیرد. مظلوم قرارگرفتن حتما تحلیل دارد.

این روان‌شناس با اشاره به اینکه بیشترین گروهی که در معرض آسیب قرار دارند گروه‌های وابسته‌تر مانند کودکان، افراد معلول یا سالمند و زنان مخصوصا زنان ناگناه، کم‌مسوداتر و وابسته از نظر مالی هستند، می‌گوید: البته برخی زنان کم‌تحصیلات اما آگاه و مستقل هستند مانند زنان مدبر سنتی که در اقوام می‌بینیم هم وجود دارند که خشونت را از خود دور می‌کنند.

وی به نوع دیگری از خشونت یعنی بی‌توجهی به افراد آسیب‌پذیر اشاره کرده و می‌گوید: خشونت همیشه علنی نیست. گاهی خشم به صورت منفعلانه است. به هر حال، آگاهی بخشی لازم است ولی نه به شکل صریح. گاهی مراقبان فرد بیمار را بسیار دوست دارند ولی آن‌قدر خسته هستند که ناخودآگاه می‌خواهند روند مرگ او تسهیل شود ولی پس از آن دچار عذاب وجدان و سوگ حل‌نشده می‌شوند. در چنین شرایطی می‌توان غیرمستقیم مراقب ر آگاه کرد که چنین خطراتی برای او هست و ممکن است منجر به فوت او شود.

کتابیون خانجانی در پاسخ به این سؤال که چه راهکاری برای کاهش تنش در خانواده‌ها توصیه می‌کند و در صورتی که تنش بروز کرد باید چه واکنشی نشان داد، می‌گوید: در واقع هر یک از ما در این اتفاقی مثبت است. اما وقتی خشونت خانگی به صورت مقطعی بالا می‌رود دلیل آن آگاهی نیست، بلکه خشونت افزایش یافته است. البته در بالارفتن خشونت خانگی در دوران کرونا فقط در ایران نبوده است. در چین هم درخواست طلاق در دوران قرنطینه افزایش پیدا کرده بود، در کنار هم ماندن برای مدت طولانی و استرس این روزها، تعارضات را بالا می‌برد و شدت می‌بخشد و متأسفانه تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری کم است. البته تاب‌آوری را با انفعال اشتباه نگیرید. تاب‌آوری یعنی مرزهای خود را در شرایط و این برخی مسائلی که آزارتان نمی‌دهد یا کمتر ناراحت‌تان می‌کند، برای رعایت حال دیگری گذشت می‌کنید ولی انفعال به معنای پذیرش تحقیر و آسیب و همچنین سکوت

در برابر آن است.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان گفت دلیل بالارفتن آمار خشونت خانگی تعارضاتی است که از قبل بوده و حالا فرصت بروز پیدا کرده است، می‌گوید: طبیعتا اختلافات و تعارضاتی وجود دارد که در یک بافت و در یک برهه زمانی بروز و شدت پیدا می‌کند. جروبحث و جدال با خشونت و اعمال سلطه متفاوت است. اگر کسی پیش از این شاهد خشونت نبوده احتمالا انواع ملایم‌تر آن را درک نکرده است یا آن‌قدر فرهنگی بوده که برایش طبیعی بوده است. مثلا یکی از انواع خشونت محدودکردن منابع مالی خانواده و اعمال زور و قدرت در ارائه آن است. آیا هر یک از ما جز خشونت فیزیکی و لفظی به آن اندیشیده‌ایم؟ از طرفی هر نوع خشونتی دو طرف (پرخاشگر) و فرد آسیب‌پذیر یا پرخاشگر-پرخاشگر) دارد.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان گفت دلیل بالارفتن آمار خشونت خانگی تعارضاتی است که از قبل بوده و حالا فرصت بروز پیدا کرده است، می‌گوید: طبیعتا اختلافات و تعارضاتی وجود دارد که در یک بافت و در یک برهه زمانی بروز و شدت پیدا می‌کند. جروبحث و جدال با خشونت و اعمال سلطه متفاوت است. اگر کسی پیش از این شاهد خشونت نبوده احتمالا انواع ملایم‌تر آن را درک نکرده است یا آن‌قدر فرهنگی بوده که برایش طبیعی بوده است. مثلا یکی از انواع خشونت محدودکردن منابع مالی خانواده و اعمال زور و قدرت در ارائه آن است. آیا هر یک از ما جز خشونت فیزیکی و لفظی به آن اندیشیده‌ایم؟ از طرفی هر نوع خشونتی دو طرف (پرخاشگر) و فرد آسیب‌پذیر یا پرخاشگر-پرخاشگر) دارد.

زمانی که در یک خانواده قوانین، روش گفتمان سالم و انعطاف‌پذیری وجود ندارد، تنش‌ها شدت می‌یابند. مثل ضعف در پیشگیری و بروز بیماری است. حالا باید تنش و اضطراب در خانواده درمان شود و اغلب مداخله مشاور، زوج درمانگر یا خانواده درمانگر لازم است.

مشارکت کنیم البته اگر فردی دوست ندارد مشارکت کند او را وادار نکنیم. پدر و مادرها باید بدانند در خانه نباید حکومت نظامی برقرار کنند، نباید رأس یک ساعت همه بخوابند اینکه تلویزیون و اینترنت در یک ساعت خاموش شود. باید تاب‌آوری بیشتری داشته باشیم و اجازه دهیم بچه‌ها یا همسرمان بیشتر خودشان را سرگرم کنند البته نباید مزاحم دیگران شویم. نباید مدام از بچه‌ها بخواهیم از حریم خصوصی خودشان خارج شوند. از مکان‌هایی مانند تراس و پشت‌بام برای هواخوری استفاده کنیم و به رویاهایمان فکر و برای آینده برنامه‌ریزی کنیم. از تحریک عاطفی همدیگر دست برداریم. از خشونت جنسی نسبت به همسر پرهیز کنیم. اگر در خانه سالمند یا معلول داریم، نباید نسبت به او بی‌توجهی کنیم. بی‌توجهی به سالمندان و معلولان دو اثر بسیار بد دارد. اگر بر اثر بی‌توجهی ما آنها دچار بیماری شده و جان خود را از دست دهند، درگیری روانی شدیدی پیدا خواهیم کرد و دوم اینکه فرزندان ما شاهد این صحنه بوده و خشم عمیقی را در ناخودآگاه خود خواهند داشت. این خشم باعث می‌شود ما افرادی بی‌مسئولیت و نامهربان در برابر آنها جلوه کنیم و این موضوع نرسونتا آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دوران قرنطینه و کرونا ما به صورت علنی شاهد داد که مهارت ما در زندگی پایین است و کنترل خشم نداریم. به نظر من، به رخ‌کشیدن این ضعف می‌تواند فرصتی باشد برای برطرف‌کردن آن، تاب‌آوری یکی از مهم‌ترین مهارت‌های زندگی است که بنا بر دلایل مختلف از جمله عدم آموزش صحیح بیشتر مردم ایران آن را ندارند و همین باعث می‌شود دچار بحران و سختی شویم. برای تاب‌آوری تمرین‌هایی هست که نیاز به پول هم ندارد. نفس عمیق هنگام خشم، فریادزندن و عجله‌نگردن در بیان حرف‌ها یکی از مهم‌ترین تمرین‌ها در دوران تاب‌آوری است. با مشارکت بچه‌ها نان بپزید. به آنها مهارت‌هایی مثل کاشتن مواد غذایی و سبزیجات و نان‌پختن را آموزش دهید. کرونا تنها اتفاق پاندمی جهان نیست و ممکن است وقتی بچه‌ها بزرگ می‌شوند دوباره مسئله دیگری پاندمی شود بنابراین باید آنها بتوانند از این تجربه استفاده کنند.

چهارشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۹۹

## تحلیل

## همسرکشی؛ از اختلافات کوچک تا قتل‌های بزرگ

**رحیم‌دشتیان**

**بازپرس ویژه قتل داسرای جنایی‌تهران**

● اختلافات خانوادگی که به همسرکشی منتهی می‌شود در هر پرونده با توجه به وضعیت مالی، فرهنگی و عاطفی متفاوت است و هر کدام از این خانواده‌ها اختلافات خاص خودشان را دارند. به‌عنوان مثال در خانواده‌هایی با سطح زندگی پایین‌تر بیشتر مسائل ناموسی و اختلافات مالی انگیزه‌های همسرکشی است و خانواده‌هایی که وضع مالی بهتری دارند انگیزه‌های خاص خود را دارند اما به‌طور کلی می‌توان چند دلیل برای همسرکشی برشمرد: اول: اختلافات فرهنگی، دوم: اعتیاد، سوم: موضوعات ناموسی، چهارم: عدم درک متقابل طرفین، پنجم: استفاده‌نگردن از مشاوره که در واقع حکایت از موضع منفی بعضی خانواده‌ها نسبت به استفاده از راهنمایی مشاوران دارد.در برخی موارد دیده می‌شود چون زوجین از راهنمایی مشاوران استفاده نکرده‌اند، یک‌سری اختلافات کوچک باعث قتل شده است. بشخصه دیدهام در برخی از پرونده‌ها اختلافات خیلی کوچک منتهی به قتل شده و این در شرایطی است که شاید امکان داشت موضوع با یک مشاوره حل شود.گاهی هم طلاق به عنوان یکی از راهکارهای مؤثر باید مورد استفاده قرار گیرد. هر چند طلاق تلخ است اما در برخی شرایط راحل مناسبی است برای اینکه اختلافات ادامه‌دار و منجر به حوادث تلخ نشود. به‌عنوان بازپرس ویژه قتل تاکید می‌کنم بهتر است زوجین تا جایی که می‌توانند طلاق نگیرند ولی می‌توان در برخی موارد به طلاق به‌عنوان یکی از آخرین راهکارهای موجود فکر کرد.در عین حال، باید توجه داشت در پرونده‌های قتل خانوادگی مرز هشدار وجود ندارد و نمی‌توان گفت چه وقتی کار به جاهای باریک کشیده شده است و کسی نمی‌تواند بگوید که می‌داند در چه زمانی رابطه به مرز خطرناک می‌رسد و ممکن است به قتل منجر شود، گاهی قتل در یک لحظه اتفاق می‌افتد. پرونده‌ای داشتم که مردی به خاطر رعایت‌نگردن حجاب از سوی همسرش در یک عروسی وجود ندارد و نمی‌توان گفت چه وقتی کار به جاهای باریک کشیده شده است و کسی نمی‌تواند بگوید که می‌داند در چه زمانی رابطه به مرز خطرناک می‌رسد و ممکن است به قتل منجر شود، گاهی قتل در یک لحظه اتفاق می‌افتد. پرونده‌ای داشتم که مردی به خاطر رعایت‌نگردن حجاب از سوی همسرش در یک عروسی وجود ندارد و نمی‌توان گفت چه وقتی کار به جاهای باریک کشیده شده است و کسی نمی‌تواند بگوید که می‌داند در چه زمانی رابطه به مرز خطرناک می‌رسد و ممکن است به قتل منجر شود. اما می‌توان گفت در مواردی که خشونت فیزیکی وجود دارد، خطرناک و ممکن است این نوع خشونت‌ورزی حتی ناخواسته منجر به قتل شود.خانواده‌هایی که در آنها خشونت بدنی وجود دارد بهتر است راجع به این قضیه محتاط باشند چون این خشونت‌ها ممکن است منتهی به یک حادثه بزرگ شود. البته لازم به تاکید است این صحبت صد درصد نیست و برپایه احتمالی است که با توجه به تجربه‌ام در رسیدگی به پرونده‌های زیادی به آن دست پیدا کرده‌ام. وقتی خشونت‌ها به ضرب و شتم منجر شود واقعا باید احساس خطر کرد چون در چنین مواقعی یک حادثه و درگیری کوچک ممکن است منجر به ماجرای بزرگ و جبران‌ناپذیر تبدیل شود، مثلا یک هل‌دادن ساده با یک ضربه ساده به سر ممکن است منجر به فوت شود.زمان دیگری که باید حساسیت بیشتری به خرج داد وقتی است که فواصل رفتار خشن کمتر و بحث و جدل‌ها بیشتر شود. این زمان می‌تواند نقطه هشدار باشد چون ممکن است منجر به قتل شود.برای جلوگیری از چنین رخداد تلخی باید دقت کرد که اساس رابطه خوب بنا نهاده شود و خانواده زوج‌ها واقعا از لحاظ مالی و فرهنگی و شرایط دیگر با هم مطابقت داشته باشند و افراد با درنظرگرفتن این نکته ازدواج می‌کنند. همچنین در مواردی که اختلافاتی وجود دارد مدیریت بزرگ‌ترهای خانواده مؤثر است. البته گاهی بزرگ‌ترهای خانواده با دخالت در امور زوجین باعث دامن‌زدن به اختلافات آنها می‌شوند که حکایت از مدیریت ضعیف آنها دارد. بنابراین باید بین مدیریت و دخالت تمایز در نظر گرفت. گاهی همین که دخالت نکنند مؤثرتر است. بزرگ‌ترهای بسیاری داشتم که دخالت خانواده منجر به قتل همسر شده است. بنابراین لزوما این روش نیست و درگیری کوچک ممکن است منجر به ماجرای بزرگ و جبران‌ناپذیر تبدیل شود، مثلا یک هل‌دادن ساده با یک ضربه ساده به سر ممکن است منجر به فوت شود.زمان دیگری که باید حساسیت بیشتری به خرج داد وقتی است که فواصل رفتار خشن کمتر و بحث و جدل‌ها بیشتر شود. این زمان می‌تواند نقطه هشدار باشد چون ممکن است منجر به قتل شود.برای جلوگیری از چنین رخداد تلخی باید دقت کرد که اساس رابطه خوب بنا نهاده شود و خانواده زوج‌ها واقعا از لحاظ مالی و فرهنگی و شرایط دیگر با هم مطابقت داشته باشند و افراد با درنظرگرفتن این نکته ازدواج می‌کنند. همچنین در مواردی که اختلافاتی وجود دارد مدیریت بزرگ‌ترهای خانواده مؤثر است. البته گاهی بزرگ‌ترهای خانواده با دخالت در امور زوجین باعث دامن‌زدن به اختلافات آنها می‌شوند که حکایت از مدیریت ضعیف آنها دارد. بنابراین باید بین مدیریت و دخالت تمایز در نظر گرفت. گاهی همین که دخالت نکنند مؤثرتر است. بزرگ‌ترهای بسیاری داشتم که دخالت خانواده منجر به قتل همسر شده است. بنابراین لزوما این روش نیست و درگیری کوچک ممکن است منجر به ماجرای بزرگ و جبران‌ناپذیر تبدیل شود، مثلا یک هل‌دادن ساده با یک ضربه ساده به سر ممکن است منجر به فوت شود.زمان دیگری که باید حساسیت بیشتری به خرج داد وقتی است که فواصل رفتار خشن کمتر و بحث و جدل‌ها بیشتر شود. این زمان می‌تواند نقطه هشدار باشد چون ممکن است منجر به قتل شود.برای جلوگیری از چنین رخداد تلخی باید دقت کرد که اساس رابطه خوب بنا نهاده شود و خانواده زوج‌ها واقعا از لحاظ مالی و فرهنگی و شرایط دیگر با هم مطابقت داشته باشند و افراد با درنظرگرفتن این نکته ازدواج می‌کنند. همچنین در مواردی که اختلافاتی وجود دارد مدیریت بزرگ‌ترهای خانواده مؤثر است. البته گاهی بزرگ‌ترهای خانواده با دخالت در امور زوجین باعث دامن‌زدن به اختلافات آنها می‌شوند که حکایت از مدیریت ضعیف آنها دارد. بنابراین باید بین مدیریت و دخالت تمایز در نظر گرفت. گاهی همین که دخالت نکنند مؤثرتر است. بزرگ‌ترهای بسیاری داشتم که دخالت خانواده منجر به قتل همسر شده است. بنابراین لزوما این روش نیست و درگیری کوچک ممکن است منجر به ماجرای بزرگ و جبران‌ناپذیر تبدیل شود، مثلا یک هل‌دادن ساده با یک ضربه ساده به سر ممکن است منجر به فوت شود.زمان دیگری که باید حساسیت بیشتری به خرج داد وقتی است که فواصل رفتار خشن کمتر و بحث و جدل‌ها بیشتر شود. این زمان می‌تواند نقطه هشدار باشد چون ممکن است منجر به قتل شود.برای جلوگیری از چنین رخداد تلخی باید دقت کرد که اساس رابطه خوب بنا نهاده شود و خانواده زوج‌ها واقعا از لحاظ مالی و فرهنگی و شرایط دیگر با هم مطابقت داشته باشند و افراد با درنظرگرفتن این نکته ازدواج می‌کنند. همچنین در مواردی که اختلافاتی وجود دارد مدیریت بزرگ‌ترهای خانواده مؤثر است. البته گاهی بزرگ‌ترهای خانواده با دخالت در امور زوجین باعث دامن‌زدن به اختلافات آنها می‌شوند که حکایت از مدیریت ضعیف آنها دارد. بنابراین باید بین مدیریت و دخالت تمایز در نظر گرفت. گاهی همین که دخالت نکنند مؤثرتر است. بزرگ‌ترهای بسیاری داشتم که دخالت خانواده منجر به قتل همسر شده است. بنابراین لزوما این روش نیست و درگیری کوچک ممکن است منجر به ماجرای بزرگ و جبران‌ناپذیر تبدیل شود، مثلا یک هل‌دادن ساده با یک ضربه ساده به سر ممکن است منجر به فوت شود.زمان دیگری که باید حساسیت بیشتری به خرج داد وقتی است که فواصل رفتار خشن کمتر و بحث و جدل‌ها بیشتر شود. این زمان می‌تواند نقطه هشدار باشد چون ممکن است منجر به قتل شود.برای جلوگیری از چنین رخداد تلخی باید دقت کرد که اساس رابطه خوب بنا نهاده شود و خانواده زوج‌ها واقعا از لحاظ مالی و فرهنگی و شرایط دیگر با هم مطابقت داشته باشند و افراد با درنظرگرفتن این نکته ازدواج می‌کنند. همچنین در مواردی که اختلافاتی وجود دارد مدیریت بزرگ‌ترهای خانواده مؤثر است. البته گاهی بزرگ‌ترهای خانواده با دخالت در امور زوجین باعث دامن‌زدن به اختلافات آنها می‌شوند که حکایت از مدیریت ضعیف آنها دارد. بنابراین باید بین مدیریت و دخالت تمایز در نظر گرفت. گاهی همین که دخالت نکنند مؤثرتر است. بزرگ‌ترهای بسیاری داشتم که دخالت خانواده منجر به قتل همسر شده است. بنابراین لزوما این روش نیست و درگیری کوچک ممکن است منجر به ماجرای بزرگ و جبران‌ناپذیر تبدیل شود، مثلا یک هل‌دادن ساده با یک ضربه ساده به سر ممکن است منجر به فوت شود.زمان دیگری که باید حساسیت بیشتری به خرج داد وقتی است که فواصل رفتار خشن کمتر و بحث و جدل‌ها بیشتر شود. این زمان می‌تواند نقطه هشدار باشد چون ممکن است منجر به قتل شود.برای جلوگیری از چنین رخداد تلخی باید دقت کرد که اساس رابطه خوب بنا نهاده شود و خانواده زوج‌ها واقعا از لحاظ مالی و فرهنگی و شرایط دیگر با هم مطابقت داشته باشند و افراد با درنظرگرفتن این نکته ازدواج می‌کنند. همچنین در مواردی که اختلافاتی وجود دارد مدیریت بزرگ‌ترهای خانواده مؤثر است. البته گاهی بزرگ‌ترهای خانواده با دخالت در امور زوجین باعث دامن‌زدن به اختلافات آنها می‌شوند که حکایت از مدیریت ضعیف آنها دارد. بنابراین باید بین مدیریت و دخالت تمایز در نظر گرفت. گاهی همین که دخالت نکنند مؤثرتر است. بزرگ‌ترهای بسیاری داشتم که دخالت خانواده منجر به قتل همسر شده است. بنابراین لزوما این روش نیست و درگیری کوچک ممکن است منجر به ماجرای بزرگ و جبران‌ناپذیر تبدیل شود، مثلا یک هل‌دادن ساده با یک ضربه ساده به سر ممکن است منجر به فوت شود.زمان دیگری که باید حساسیت بیشتری به خرج داد وقتی است که فواصل رفتار خشن کمتر و بحث و جدل‌ها بیشتر شود. این زمان می‌تواند نقطه هشدار باشد چون ممکن است منجر به قتل شود.برای جلوگیری از چنین رخداد تلخی باید دقت کرد که اساس رابطه خوب بنا نهاده شود و خانواده زوج‌ها واقعا از لحاظ مالی و فرهنگی و شرایط دیگر با هم مطابقت داشته باشند و افراد با درنظرگرفتن این نکته ازدواج می‌کنند. همچنین در مواردی که اختلافاتی وجود دارد مدیریت بزرگ‌ترهای خانواده مؤثر است. البته گاهی بزرگ‌ترهای خانواده با دخالت در امور زوجین باعث دامن‌زدن به اختلافات آنها می‌شوند که حکایت از مدیریت ضعیف آنها دارد. بنابراین باید بین مدیریت و دخالت تمایز در نظر گرفت. گاهی همین که دخالت نکنند مؤثرتر است. بزرگ‌ترهای بسیاری داشتم که دخالت خانواده منجر به قتل همسر شده است. بنابراین لزوما این روش نیست و درگیری کوچک ممکن است منجر به ماجرای بزرگ و جبران‌ناپذیر تبدیل شود، مثلا یک هل‌دادن ساده با یک ضربه ساده به سر ممکن است منجر به فوت شود.زمان دیگری که باید حساسیت بیشتری به خرج داد وقتی است که فواصل رفتار خشن کمتر و بحث و جدل‌ها بیشتر شود. این زمان می‌تواند نقطه هشدار باشد چون ممکن است منجر به قتل شود.برای جلوگیری از چنین رخداد تلخی باید دقت کرد که اساس رابطه خوب بنا نهاده شود و خانواده زوج‌ها واقعا از لحاظ مالی و فرهنگی و شرایط دیگر با هم مطابقت داشته باشند و افراد با درنظرگرفتن این نکته ازدواج می‌کنند. همچنین در مواردی که اختلافاتی وجود دارد مدیریت بزرگ‌ترهای خانواده مؤثر است. البته گاهی بزرگ‌ترهای خانواده با دخالت در امور زوجین باعث دامن‌زدن به اختلافات آنها می‌شوند که حکایت از مدیریت ضعیف آنها دارد. بنابراین باید بین مدیریت و دخالت تمایز در نظر گرفت. گاهی همین که دخالت نکنند مؤثرتر است. بزرگ‌ترهای بسیاری داشتم که دخالت خانواده منجر به قتل همسر شده است. بنابراین لزوما این روش نیست و درگیری کوچک ممکن است منجر به ماجرای بزرگ و جبران‌ناپذیر تبدیل شود، مثلا یک هل‌دادن ساده با یک ضربه ساده به سر ممکن است منجر به فوت شود.زمان دیگری که باید حساسیت بیشتری به خرج داد وقتی است که فواصل رفتار خشن کمتر و بحث و جدل‌ها بیشتر شود. این زمان می‌تواند نقطه هشدار باشد چون ممکن است منجر به قتل شود.برای جلوگیری از چنین رخداد تلخی باید دقت کرد که اساس رابطه خوب بنا نهاده شود و خانواده زوج‌ها واقعا از لحاظ مالی و فرهنگی و شرایط دیگر با هم مطابقت داشته باشند و افراد با درنظرگرفتن این نکته ازدواج می‌کنند. همچنین در مواردی که اختلافاتی وجود دارد مدیریت بزرگ‌ترهای خانواده مؤثر است. البته گاهی بزرگ‌ترهای خانواده با دخالت در امور زوجین باعث دامن‌زدن به اختلافات آنها می‌شوند که حکایت از مدیریت ضعیف آنها دارد. بنابراین باید بین مدیریت و دخالت تمایز در نظر گرفت. گاهی همین که دخالت نکنند مؤثرتر است. بزرگ‌ترهای بسیاری داشتم که دخالت خانواده منجر به قتل همسر شده است. بنابراین لزوما این روش نیست و درگیری کوچک ممکن است منجر به ماجرای بزرگ و جبران‌ناپذیر تبدیل شود، مثلا یک هل‌دادن ساده با یک ضربه ساده به سر ممکن است منجر به فوت شود.زمان دیگری که باید حساسیت بیشتری به خرج داد وقتی است که فواصل رفتار خشن کمتر و بحث و جدل‌ها بیشتر شود. این زمان می‌تواند نقطه هشدار باشد چون ممکن است منجر به قتل شود.برای جلوگیری از چنین رخداد تلخی باید دقت کرد که اساس رابطه خوب بنا نهاده شود و خانواده زوج‌ها واقعا از لحاظ مالی و فرهنگی و شرایط دیگر با هم مطابقت داشته باشند و افراد با درنظرگرفتن این نکته ازدواج می‌کنند. همچنین در مواردی که اختلافاتی وجود دارد مدیریت بزرگ‌ترهای خانواده مؤثر است. البته گاهی بزرگ‌ترهای خانواده با دخالت در امور زوجین باعث دامن‌زدن به اختلافات آنها می‌شوند که حکایت از مدیریت ضعیف آنها دارد. بنابراین باید بین مدیریت و دخالت تمایز در نظر گرفت. گاهی همین که دخالت نکنند مؤثرتر است. بزرگ‌ترهای بسیاری داشتم که دخالت خانواده منجر به قتل همسر شده است. بنابراین لزوما این روش نیست و درگیری کوچک ممکن است منجر به ماجرای بزرگ و جبران‌ناپذیر تبدیل شود، مثلا یک هل‌دادن ساده با یک ضربه ساده به سر ممکن است منجر به فوت شود.زمان دیگری که باید حساسیت بیشتری به خرج داد وقتی است که فواصل رفتار خشن کمتر و بحث و جدل‌ها بیشتر شود. این زمان می‌تواند نقطه هشدار باشد چون ممکن است منجر به قتل شود.برای جلوگیری از چنین رخداد تلخی باید دقت کرد که اساس رابطه خوب بنا نهاده شود و خانواده زوج‌ها واقعا از لحاظ مالی و فرهنگی و شرایط دیگر با هم مطابقت داشته باشند و افراد با درنظرگرفتن این نکته ازدواج می‌کنند. همچنین در مواردی که اختلافاتی وجود دارد مدیریت بزرگ‌ترهای خانواده مؤثر است. البته گاهی بزرگ‌ترهای خانواده با دخالت در امور زوجین باعث دامن‌زدن به اختلافات آنها می‌شوند که حکایت از مدیریت ضعیف آنها دارد. بنابراین باید بین مدیریت و دخالت تمایز در نظر گرفت. گاهی همین که دخالت نکنند مؤثرتر است. بزرگ‌ترهای بسیاری داشتم که دخالت خانواده منجر به قتل همسر شده است. بنابراین لزوما این روش نیست و درگیری کوچک ممکن است منجر به ماجرای بزرگ و جبران‌ناپذیر تبدیل شود، مثلا یک هل‌دادن ساده با یک ضربه ساده به سر ممکن است منجر به فوت شود.زمان دیگری که باید حساسیت بیشتری به خرج داد وقتی است که فواصل رفتار خشن کمتر و بحث و جدل‌ها بیشتر شود. این زمان می‌تواند نقطه هشدار باشد چون ممکن است منجر به قتل شود.برای جلوگیری از چنین رخداد تلخی باید دقت کرد که اساس رابطه خوب بنا نهاده شود و خانواده زوج‌ها واقعا از لحاظ مالی و فرهنگی و شرایط دیگر با هم مطابقت داشته باشند و افراد با درنظرگرفتن این نکته ازدواج می‌کنند. همچنین در مواردی که اختلافاتی وجود دارد مدیریت بزرگ‌ترهای خانواده مؤثر است. البته گاهی بزرگ‌ترهای خانواده با دخالت در امور زوجین باعث دامن‌زدن به اختلافات آنها می‌شوند که حکایت از مدیریت ضعیف آنها دارد. بنابراین باید بین مدیریت و دخالت تمایز در نظر گرفت. گاهی همین که دخالت نکنند مؤثرتر است. بزرگ‌ترهای بسیاری داشتم که دخالت خانواده منجر به قتل همسر شده است. بنابراین لزوما این روش نیست و درگیری کوچک ممکن است منجر به ماجرای بزرگ و جبران‌ناپذیر تبدیل شود، مثلا یک هل‌دادن ساده با یک ضربه ساده به سر ممکن است منجر به فوت شود.زمان دیگری که باید حساسیت بیشتری به خرج داد وقتی است که فواصل رفتار خشن کمتر و بحث و جدل‌ها بیشتر شود. این زمان می‌تواند نقطه هشدار باشد چون ممکن است منجر به قتل شود.برای جلوگیری از چنین رخداد تلخی باید دقت کرد که اساس رابطه خوب بنا نهاده شود و خانواده زوج‌ها واقعا از لحاظ مالی و فرهنگی و شرایط دیگر با هم مطابقت داشته باشند و افراد با درنظرگرفتن این نکته ازدواج می‌کنند. همچنین در مواردی که اختلافاتی وجود دارد مدیریت بزرگ‌ترهای خانواده مؤثر است. البته گاهی بزرگ‌ترهای خانواده با دخالت در امور زوجین باعث دامن‌زدن به اختلافات آنها می‌شوند که حکایت از مدیریت ضعیف آنها دارد. بنابراین باید بین مدیریت و دخالت تمایز در نظر گرفت. گاهی همین که دخالت نکنند مؤثرتر است. بزرگ‌ترهای بسیاری داشتم که دخالت خانواده منجر به قتل همسر شده است. بنابراین لزوما این روش نیست و درگیری کوچک ممکن است منجر به ماجرای بزرگ و جبران‌ناپذیر تبدیل شود، مثلا یک هل‌دادن ساده با یک ضربه ساده به سر ممکن است منجر به فوت شود.زمان دیگری که باید حساسیت بیشتری به خرج داد وقتی است که فواصل رفتار خشن کمتر و بحث و جدل‌ها بیشتر شود. این زمان می‌تواند نقطه هشدار باشد چون ممکن است منجر به قتل شود.برای جلوگیری از چنین رخداد تلخی باید دقت کرد که اساس رابطه خوب بنا نهاده شود و خانواده زوج‌ها واقعا از لحاظ مالی و فرهنگی و شرایط دیگر با هم مطابقت داشته باشند و افراد با درنظرگرفتن این نکته ازدواج می‌کنند. همچنین در مواردی که اختلافاتی وجود دارد مدیریت بزرگ‌ترهای خانواده مؤثر است. البته گاهی بزرگ‌ترهای خانواده با دخالت در امور زوجین باعث دامن‌زدن به اختلافات آنها می‌شوند که حکایت از مدیریت ضعیف آنها دارد. بنابراین باید بین مدیریت و دخالت تمایز در نظر گرفت. گاهی همین که دخالت نکنند مؤثرتر است. بزرگ‌ترهای بسیاری داشتم که دخالت خانواده منجر به قتل همسر شده است. بنابراین لزوما این روش نیست و درگیری کوچک ممکن است منجر به ماجرای بزرگ و جبران‌ناپذیر تبدیل شود، مثلا یک هل‌دادن ساده با یک ضربه ساده به سر ممکن است منجر به فوت شود.زمان دیگری که باید حساسیت بیشتری به خرج داد وقتی است که فواصل رفتار خشن کمتر و بحث و جدل‌ها بیشتر شود. این زمان می‌تواند نقطه هشدار باشد چون ممکن است منجر به قتل شود.برای جلوگیری از چنین رخداد تلخی باید دقت کرد که اساس رابطه خوب بنا نهاده شود و خانواده زوج‌ها واقعا از لحاظ مالی و فرهنگی و شرایط دیگر با هم